

**An analysis of the role of translation in Akhtar and Soroush newspapers in
transferring critical discourse influenced by the intellectual atmosphere of
Istanbul to Qajar period Iran**

Iskandar Kayani Shavandi¹/ Mohammad Mehdi Moradi Khalaj²

(DOI): [10.22034/MTE.2022.11080.1487](https://doi.org/10.22034/MTE.2022.11080.1487)

Abstract

Original Article

P 7 -29

With the confrontation of Qajar-era Iran with the West and awareness of their growth, the need to know the new civilization became apparent. Although Iranians were in direct contact with the West, many of these experiences were transmitted through intermediary routes, including the Ottoman Empire, and especially in the intellectual atmosphere of Istanbul. One of the ways to know the West is the influence of Akhtar and Soroush newspapers in Istanbul, before and after the constitutional revolution, by using translation. Therefore, the question arises, what effect did the translation of Istanbul's intellectual-political developments in these newspapers have on their critical discourse? This research tries to answer this question based on the descriptive-analytical method based on the collection of library information and access to the archives of these newspapers. The findings of the research show that Akhtar and Soroush newspapers were influenced by the Ottoman intellectual atmosphere and the translation of political news and articles in these newspapers had a profound effect on their critical discourse. In addition, it was found that the translators and writers of these newspapers helped to transfer modernity and critical thinking to Qajar period Iran. As a result, the critical discourse, passing through the Ottoman Empire and being influenced by it, found a special manifestation that was more compatible with the Eastern and Islamic-Iranian culture.

Key words: Qajar, modernity, translation, Istanbul, Akhtar and Soroush newspapers .

1 - Ph.D. student, History of Iran after Islam, Shiraz University, Shiraz, Iran .

Email: es7kiani@gmail.com

2 - Associate Professor, Department of History, Shiraz University, Shiraz, Iran .

Email: mm_mkhalaj@yahoo.com

Received: 2021/07/04 | Accepted: 2022/02/20



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش» در انتقال گفتمان انتقادی متأثر از فضای فکری استانبول به ایران دوره قاجار

اسکندر کیانی شاوندی^۱ | محمدمهدی مرادی خلیج^۲ (نویسنده مسئول)

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2022.11080.1487](https://doi.org/10.22034/MTE.2022.11080.1487)

علمی - پژوهشی

ص: ۲۹/۷

چکیده

با رویارویی ایران عهد قاجار با غرب و آگاهی از رشد آنان، نیاز به شناخت تمدن نوین آشکار شد. اگرچه ایرانیان به صورت مستقیم با غرب در ارتباط بودند، ولی بسیاری از این تجربه‌ها، از مسیرهای واسطه از جمله عثمانی و به‌ویژه در فضای فکری استانبول منتقل می‌شد. یکی از راه‌های شناخت غرب، تأثیرپذیری روزنامه‌های «اختر» و «سروش» چاپ استانبول، پیش و پس از انقلاب مشروطه با استفاده از ترجمه است. بنابراین، این سؤال پیش می‌آید که ترجمه تحولات فکری - سیاسی استانبول در این روزنامه‌ها، چه تأثیری در گفتمان انتقادی آنان داشته است؟ این پژوهش، بر اساس روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و دسترسی به آرشیو این روزنامه‌ها، سعی در پاسخ به این پرسش دارد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روزنامه‌های «اختر» و «سروش»، از فضای فکری عثمانی متأثر بودند و ترجمه اخبار و مقالات سیاسی در این روزنامه‌ها، تأثیر عمیقی در گفتمان انتقادی آنها داشتند. به‌علاوه، مشخص شد که مترجمان و نویسندگان این روزنامه‌ها، به انتقال تجدد و تفکر انتقادی به ایران دوره قاجار کمک شایانی کردند. در نتیجه، گفتمان انتقادی با عبور از عثمانی و متأثر از آن، تجلی خاصی یافت که بیشتر منطبق با فرهنگ شرق و اسلامی - ایرانی بود.

واژگان کلیدی: قاجار، تجدد، ترجمه، استانبول، روزنامه‌های «اختر» و «سروش».

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران: es7kiani@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. mm_mkhalaj@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۴/۱۴۰۰، تاریخ پذیرش: ۰۱/۱۲/۱۴۰۰



با ظهور تمدن اروپایی و گسترش رویه استعماری آن در سده هجدهم و نوزدهم و نیز ضعف دولت‌های مسلمان و آگاهی از عقب‌ماندگی خود در برابر اروپا، نخبگان دول و ملل اسلامی، متوجه تمدن نوین غرب شدند. با وجود اینکه ایرانیان به صورت مستقیم با غرب و اروپاییان در ارتباط بودند و از تحولات سیاسی و اندیشه آنان مطلع می‌شدند، ولی به علت فاصله جغرافیایی با مراکز تحولات اندیشه‌ای در غرب اروپا، این پیوند با کندی همراه بود و مشکلاتی داشت. از این رو، ناگزیر به سرزمین‌های حائلی که محل حضور فیزیکی و اندیشه‌ای اروپاییان بود، متوجه شدند. تفلیس و باکو و حوزه قفقاز، هند به علت حضور انگلیسی‌ها در جنوب، و استانبول و قاهره و حوزه عثمانی در غرب، سرزمین‌های واسطه‌ای بودند که برخی ایرانیان از این مسیرها به غرب دسترسی می‌یافتند.

با گسترش فن چاپ و روزنامه‌نگاری در ایران و دول هم‌جوار و به علت فضای رعب و وحشت و سانسور در ایران دوره ناصری، ایرانیان منتقد که مخالف وضع موجود بودند، به سرزمین‌های هم‌جوار رفتند؛ به‌ویژه استانبول را به علت ارتباط تاریخی و تجاری، تقدم در انجام اصلاحات نوین و قرابت‌های فرهنگی بسیار، برای سکونت و فعالیت‌های رسانه‌ای برای بیان انتقاد از شیوه کشورداری استبدادی، انتخاب کردند. در چنین فضایی بود که نخستین روزنامه آزاد و انتقادی در خارج از ایران، یعنی اختر، به‌وسیله ایرانیان وطن‌دوست به چاپ رسید. بدین ترتیب، «در ایران سده نوزدهم، یک نظام اجتماعی و سیاسی جدید در حال گسترش بود. هم‌زمان، امپراتوری عثمانی که پیشرو ارتباط با اروپا بود، در یک مرحله تاریخی مرفقی‌تری قرار داشت و به‌عنوان یک الگو، بر جنبش نوسازی ایران تأثیر گذاشت. بنابراین، در ایران یک ایده غربی شدن که امپراتوری عثمانی نیز تحت تأثیر آن است، شروع به شکل‌گیری کرد» (Kilic, 2006: iv).

در سده نوزدهم، اروپا، ایران را به شکل غیرمستقیم و در «وضع غیر استعماری وابسته»، تحت نفوذ خود داشت. در این صورت، اگر کشور وابسته با یک کشور صنعتی و یا کشوری متأثر از تمدن غرب همسایه باشد، تمدن غرب به‌طور طبیعی و خودبه‌خود نخست در ایالات مرزی - که مناطق اختلاط فرهنگی هستند - رخنه می‌کند. گونه دیگر نفوذ تمدن غرب، این است که به‌صورت سازمان‌یافته و به همت گروهی روشنفکر مهاجر و از طریق روزنامه و کتاب و دیگر وسایل ارتباطی، از کشوری که غربی یا نیمه‌غربی است، به کشور دیگر انتقال می‌یابد. در حقیقت، کشورهای واسطه، منازلی در راه تجدد هستند (بهنام، ۱۳۷۲: ۲۷۱-۲۷۲). در نتیجه، تجدد هم به‌صورت مستقیم - که مورد بحث ما نیست - و هم با واسطه، به ایران رسید و گاهی نیز تمدن غرب به‌صورت غیرمستقیم و

دست‌دوم به ایران رسید. برخی پژوهشگران، با پُررنگ گردن اثر سرزمین‌های واسطه، به‌ویژه عثمانی در ورود فکر غربی به ایران، ناکامی مشروطه را ناشی از این شیوه برخورد با غرب می‌دانند و اعتقاد دارند که:

«بدبختی ایرانیان در سده نوزدهم، این بود که خواستند از بیراهه عثمانی، راه بر مدنیت و پیشرفت غرب بگشایند. پس، جمله مفاهیم را ترک‌وار و وارونه به عاریت گرفتند؛ هم بدان خیال که به ناف فرنگستان رسیده‌اند؛ از آن جمله: ناسیونالیسم اسلامی به‌جای استقلال‌طلبی، مشروطیت اسلامی به‌جای پارلمانتاریسم که همگی ارمغان ترکان‌اند» (ناطق، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

صرف‌نظر از راستی‌آزمایی این نقد، این موضوع نشان می‌دهد که همسایه غربی، اثر ویژه‌ای بر تحولات فکری و تجدد در ایران دوره قاجار داشته است.

در این پژوهش، به شکلی که ملاحظه خواهد شد، به دو دوره توجه می‌شود: یکی، دوره ناصرالدین‌شاه که استبداد حاکم و سانسور، اجازه رشد انتقادی را در نشریات داخلی نمی‌داد و روشنفکران و منتقدان در خارج از ایران، به نقد شیوه حکمرانی قاجار پرداختند. به همین دلیل، روزنامه روشنگر اختر بررسی می‌شود. دوره بعدی مهم، پس از انقلاب مشروطه و دوره استبداد صغیر است که مشروطه‌خواهان برای بازگرداندن قانون و مشروطه، بار دیگر به اجبار از وطن مهاجرت کردند و با توجه به موفقیت مشروطه دوم عثمانی در اوایل سده بیستم، استانبول را برای مبارزه با استبداد محمدعلی شاه انتخاب کردند. در این دوره به همت دهخدا، یحیی دولت‌آبادی و حسین کاظم‌زاده، روزنامه «سروش» به انتقاد از استبداد و دفاع از مشروطه پرداخت. در این پژوهش، نشان داده می‌شود که چگونه فضای فکری - سیاسی استانبول از راه ترجمه وارد روزنامه‌های «اختر» و «سروش» می‌شود که خوانندگان ایرانی دارند.

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت که تاکنون پژوهشی در باره این موضوع صورت نگرفته است که بتوان نقش ترجمه را در این روزنامه‌ها بررسی کرده باشد؛ به‌ویژه اگر نقش ترجمه را در این انتقال سیاسی - فرهنگی متأثر از فضای فکری استانبول بررسی کرده باشد. باین حال، تحقیقات متعددی در سطحی کلی‌تر و کلان به موضوع ورود تجدد و ارتباط فکری ایران و عثمانی انجام شده است؛ از جمله، جمشید بهنام در کتاب *ایرانیان و اندیشه تجدد* و نیز در مقاله «منزلگاهی در راه تجدد ایران: اسلامبول»، به راه‌های ورود تجدد و گفتمان انتقادی به ایران دوره قاجار پرداخته است؛ به‌ویژه در مقاله اخیر، نقش استانبول و اثر فضای فکری - سیاسی آن بررسی شده است. نصرالله صالحی، ضمن پژوهش‌هایی در باره روابط ایران و عثمانی، به مسئله ترجمه نیز پرداخته است؛ از جمله، در مقاله

شاوندی و مرادی خلیج: تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»... ۱۱

«ترجمه از زبان ترکی عثمانی به فارسی در دوره ناصری؛ مطالعه موردی: ترجمه‌های محمد عارف اسپناچی پاشا زاده»، ارتباط فرهنگی از راه ترجمه در دوره ناصری را بررسی کرده است؛ ولی به موضوع مورد بحث مقاله حاضر نپرداخته است. عبدالحسین آذرنگ نیز در کتاب *تاریخ ترجمه در ایران* به صورت پراکنده به ترجمه کتب از زبان ترکی استانبولی به فارسی اشاراتی گذرا دارد؛ اما در باره این موضوع بحثی به میان نیآورده است. همچنین، با وجود اینکه مجموعه مقالاتی در مورد تاریخ ترجمه، در همایش‌ها و مجلات تخصصی به چاپ رسید، اما هیچ‌کدام به این موضوع نپرداخته‌اند. این پژوهش، راه را برای توجه بیشتر و عمیق‌تر پژوهشگران به ترجمه افکار نو از طریق روزنامه‌نگاری و اثر سرزمین‌های واسطه، در کنار ارتباط فکری مستقیم با تمدن غرب بر تغییر و تحول افکار و انتقال آن به ایران دوره قاجار باز می‌کند.

امپراتوری عثمانی سرزمین حایل میان ایران و غرب

با تشکیل امپراتوری عثمانی و بسط سرزمینی آن در شرق مدیترانه، آسیای غربی و شمال آفریقا، ارتباط ایران و غرب به کمترین میزان خود در تاریخ رسید. این امر با تحولات گسترده درونی دول و ملل اروپایی به سوی تمدن جدید، هم‌زمان بود. از سوی دیگر، گسترش و توسعه امپراتوری به سمت بالکان و اروپا، ارتباط اروپا را با سرزمین‌های شرق با مخاطره روبه‌رو کرد و این محدودیت، سرآغاز اندیشه اکتشافات جغرافیایی شد تا بتوانند با دور زدن عثمانی با ملل کهن شرق، ارتباط دگربار داشته باشند. در این راستا، پیشرفت‌ها به کمک اروپاییان آمد و آنان توانستند سرزمین‌های بسیاری را کشف کنند. اگرچه آنان با دور زدن عثمانی توانستند با ملل شرق ارتباط داشته باشند، اما این ارتباطات آن‌چنان نبود تا به‌ویژه ملل شرق و از جمله تمدن ایرانی، ارتباط نزدیکی با اروپا برقرار کنند و از اوضاع و تغییرات غرب اطلاع کافی داشته باشند. در حقیقت، حایل عثمانی، هرچند نتوانست سیر پیشرفت غرب را مسدود کند، موجب شد تا ملل شرق و به‌خصوص ایرانیان، در حاشیه بمانند و از دگرگونی‌های اروپا به‌موقع آگاه نشوند. این تحولات، تا سده نوزدهم به همین منوال سپری شد؛ تا اینکه به دنبال انقلاب‌های صنعتی و سیاسی در اروپا و رشد بی‌سابقه تمدن بشری در آن سامان، غرب با جهش بی‌سابقه‌ای خود را به شرق نشان داد و عصر جهانی شدن تمدن غرب به شکل جدی و نوینی آغاز شد. این در حالی صورت گرفت که ملل شرق و ایرانیان، روزگارشان به همان منوال کهن سپری می‌شد و دگرگونی‌ها، محدود به تغییر حاکمان بود و چه‌بسا از نظر اقتصادی، علمی و فرهنگی پسرفت نیز داشتند.

فضای فکری استانبول

پیشینه ارتباط با غرب در عثمانی از منظر اصلاحات جدید به منظور تقویت امپراتوری، به اوایل سده هجدهم و روی کار آمدن احمد سوم (۱۱۱۵-۱۱۴۲ ق / ۱۷۰۳-۱۷۳۰ م) و صدارت ابراهیم پاشا برمی‌گردد که به «عصر لاله» معروف شد. نامگذاری این دوران به «لاله»، به علت علاقه احمد سوم و درباریان به گل لاله بود. در این دوره، به اصلاحات در ارتش، برقراری ارتباط دیپلماتیک با دول اروپایی، تلاش برای کسب فنون و دانش اروپاییان و مظاهر تمدنی غرب توجه شد (حضرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۱۹). پس از آن و با روی کار آمدن سلیم سوم در اواخر سده هجدهم و سال‌های نخستین سده نوزدهم، اصلاحات وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره بود که اصلاحات، دامنه و وسعت بیشتری پیدا کرد و بر سراسر سده نوزدهم اثر گذاشت (همان: ۱۲۱-۱۲۲).

سده نوزدهم در واقع، عصر تغییرات و اصلاحات عمیق فرهنگ و جامعه عثمانی، به‌ویژه در استانبول بود. در این دوره، با گسترش ارتباط با اروپاییان و آشنایی بیشتر با اندیشه و فرهنگ غرب، مرد بیمار اروپا به چالش کشیده شد و مجموعه اصلاحاتی در عثمانی به اجرا درآمد. در این سده، کسانی چون: مصطفی رشید پاشا، عالی پاشا، فؤاد پاشا، نامق کمال، مدحت پاشا و دیگران، با درک سلطه شرایط زوال بر حاکمیت عثمانی خواهان اصلاحات و تغییرات اساسی بودند. در مقابل، کسانی چون: احمد جودت پاشا، حسن فهمی افندی، نصرت پاشا و دیگران، به مخالفان تغییر و اصلاح پیوستند و نیازی به روزآمد کردن امپراتوری نمی‌دیدند. بدین ترتیب، این دو طیف محافظه‌کار و اصلاح‌طلب، در سراسر این سده در کشاکش هم بودند (همان: ۵۹-۶۰). با وجود تنش میان اصلاح‌طلبان و نیروهای محافظه‌کار، اصلاحات سده نوزدهم، به دلایلی از جمله: گستردگی و تنوع امپراتوری، دخالت خارجی، کم‌تجربگی اصلاح‌طلبان، لزوم اصلاحات سیاسی - اجتماعی و فعالیت ملی‌گراها در بین اقلیت‌ها برای استقلال، به‌کندی پیش می‌رفت (شاو استنفورد جی و ازل کورال شاو، ۱۳۷۰: ۸/۱).

از آغاز دوره تنظیمات در ۱۲۵۵ ق / ۱۸۳۹ م و نیز در جریان تصویب قانون اساسی ۱۸۷۶ م و تأسیس اولین پارلمان عثمانی، همه این اصلاحات، «نه در صدد تضعیف اسلام که ایجاد نظامی سکولار به موازات آن» بود. برخی اصلاحات آن، حتی «بر مبنای اسلام توجیه یا به‌عنوان اسلامی» ارائه می‌شدند. نسل اولیه ترکان جوان، از جمله نامق کمال (۱۲۵۶-۱۳۰۵ ق / ۱۸۴۰-۱۸۸۸ م)، «مفاهیم خود را در چارچوب اسلام توجیه می‌کردند و هیچ‌گاه نظام هنجاری اسلامی را مورد چالش قرار ندادند» (Yavuz, 2009: 20). در نتیجه، هدف اصلاحات سده نوزدهم عثمانی، نه حذف جهان‌بینی اسلامی یا خلق یک اسلام اصلاح‌شده، که بهره‌گیری از مفاهیم اسلامی برای مشروعیت

شاوندی و مرادی خلیج: تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»... ۱۳

نهادهای و روش‌های نوین در راستای تحکیم امپراتوری بود. مدرنیزاسیون همراه با اسلام، نه علیه یا بدون اسلام، دنبال می‌شد (Ibid: 22).

گفتمان حاکم بر اصلاحات سده نوزدهم و اوایل سده بیستم عثمانی، بر دو رکن استوار بود: از یک سو، برای روزآمد کردن امپراتوری، به اصلاحات و تنظیماتی روی آوردند تا حقوق اقلیت‌ها و غیرمسلمانان در آن به رسمیت شناخته شود و از تنش‌های درون امپراتوری کاسته شود. در حقیقت، همین وجه اقدامات دولت عثمانی است که ایرانیان منورالفکری را که به استانبول پناه بردند، مسحور خود کرده بود و تلاش نمودند این‌گونه اقدامات را به درون ایران مخابره کنند؛ بلکه در ایران نیز گرایش به اصلاحات بیشتر شود. از سوی دیگر، هم‌زمان در درون نیروهای فعال عثمانی، نوعی اندیشه اتحاد اسلام در حال رشد بود و برای حفظ هویت و شکوه امپراتوری در برابر غرب، به این اتحاد اسلامی تکیه داده بودند. همین گفتمان دوگانه بود که بر تحولات روشنفکری در ایران اثر گذاشت و این گفتمان فکری استانبول از راه ترجمه، کتب و روزنامه به درون ایران انتقال می‌یافت.

در ایران نیز اندیشه دینی - فقهی شیعی در حاکمیت رواج داشت و علمای شیعه، جایگاه مهمی در اندیشه سیاسی داشتند و این رواج اندیشه دینی در حاکمیت، وجه اشتراک ایران و عثمانی در برخورد با تجدد بود؛ ولی به علت تقدم عثمانی در مواجهه با موج مدرنیته، آنان بودند که بر تحولات روشنفکری ایران اثر گذاشتند. با بررسی جایگاه روحانیت شیعی در تحولات مشروطه و نقد پژوهش‌های مشروطه، این نتیجه به دست می‌آید که با وجود اینکه مشروطه در غرب ریشه دارد، ولی تفکر حاکم بر مشروطه ایرانی، تفکری فقهی است. «گفتار مسلط ایرانیان در دوره مشروطه، گفتار دینی مأخوذ از فقه و اصول شیعه بود. فرهنگ غیر با این فرهنگ برخورد کرد و تلاش برای بومی‌سازی آن آغاز گردید» (آبادیان، ۱۳۸۸: ۳۲). آبادیان به درستی ادامه می‌دهد که بومی‌کردن اندیشه، از خلاقیت‌های ایرانیان است و وجه تمایز همیشگی ایرانیان از سایر کشورهای اسلامی است (همان: ۳۲)؛ ولی اشاره‌ای به تقدم عثمانی در مواجهه با ورود تجدد و تلاش آنان برای هماهنگی اسلام و تجدد نمی‌کند. با وجود کارکردهای مختلف روحانیت در دو جامعه ایران و عثمانی، تجربه عثمانی از طریق ایرانیانی که در آنجا زندگی می‌کردند، به ایران منتقل شد و این تجربه، برای جامعه ایران اجتناب‌ناپذیر بود. در این دوره می‌توان گفت با وجود اینکه مشروطه‌خواهان ایرانی تلاش می‌کردند غرب و تحولات فکری آن را به صورت مستقیم بشناسند، ولی از منظر تحولات فکری منطقه‌ای، بیشتر از تجربه و اصلاحات عثمانی در مقایسه با مراکز دیگری مانند: تقلیس، بمبئی، قاهره و کلکته متأثر شدند.

«روند اصلاحات در عثمانی که با صدور دستخط همایون در سال ۱۲۵۵ق/۱۸۳۹م آغاز شد، نمونه‌ای برای یک کشور اسلامی مانند ایران بود که دارای یک نظام سلطنتی مشابه بود. بازیگرانی که می‌خواستند ساختار سیاسی در ایران را تغییر دهند، عمدتاً تحت تأثیر محافل سیاسی و فرهنگی امپراتوری عثمانی بودند که همین روند را تجربه کردند» (Kurtulus, 2010: 242).

ایرانیان در استانبول

ضعف ایران دوره قاجار و عثمانی سده نوزدهم و حضور قدرتمند اروپاییان در سراسر گیتی، به‌ویژه این بخش از جهان، به شکل معجزه‌آسایی رقابت آنان را کاهش داد و توجه به حفظ شوکت امپراتوری و شاهنشاهی در برابر غرب، به‌خصوص روس و انگلیس معطوف شد. همین مسئله و مسائل دیگر، از جمله اتحاد دنیای اسلام و چگونگی روبرویی با دنیای غرب، هم هیئت حاکمه و هم طبقه تازه تأسیس منورالفکران هر دو سرزمین را به یکدیگر نزدیک کرد. حضور ایرانیان در دو مرحله در استانبول، چشمگیر است؛ مرحله اول، مربوط است به تحولات پیش از مشروطه و در دوره ناصرالدین‌شاه که اصلاحات این دوره با سد محکم استبداد و سانسور روبه‌رو شد. این امر، باعث سخت‌گیری بر آنان شده و به مهاجرت از ایران انجامید. ایرانیان، به‌ویژه ایرانیان مهاجر، به جهت عقاید سیاسی، جگره‌ای به وجود آوردند. در میان آنها، از تاجر و معلم تا نویسنده و شاعر دیده می‌شد. میرزا آقاخان کرمانی، در میان آنها از همه سرشناس‌تر بود و پس از او، میرزا حبیب اصفهانی، احمد روحی و محمدطاهر تبریزی. ملکم خان و سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز در این شهر رفت‌وآمد داشتند (بهنام، ۱۳۸۳: ۹۰).

از میان دولت‌مردان قاجار، از همه مهم‌تر، میرزا حسین‌خان سپهسالار بود که دوازده سال (۱۲۷۵-۱۲۸۷ق/۱۸۵۸-۱۸۷۰م) به‌عنوان وزیرمختار و سفیر کبیر ایران در استانبول اقامت داشت. این دوران، مصادف بود با اصلاحات عثمانی و تحولات عمیقی که در آن کشور در حال تکوین بود (رئیس‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۹/۱). میرزا حسین‌خان، با حرارت و شور زیاد، گزارش‌هایی در باره اقدامات اصلاحی آنان به وزارت خارجه در تهران ارسال می‌داشت (همان: ۶۱/۱). به صدارت رسیدن سپهسالار، فرصتی فراهم آورد تا با ترغیب شاه به اصلاحات، کشور را به سوی قانون پیش ببرد؛ اما به‌دلایلی چند، از جمله اصلاح‌ناپذیری شاه و حاکمیت، اقدامات وی به انجام نرسید. ایرانیان تا باز شدن فضای سیاسی و انقلاب مشروطه، همچنان در تکاپو برای رسیدن به حاکمیت قانون بودند که این بار، به نتیجه رسید؛ ولی با به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه و سرکوب مجلس، دگر بار استبداد بر ارکان کشور چیره شد.

شاوندی و مرادی خلج: تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»... ۱۵

موج دوم مهاجرت به استانبول، با به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه صورت گرفت. مشروطه‌خواهان این بار، متأثر از تحولات ایران و نیز استقرار مشروطه در عثمانی، با اطمینان و شور و حرارت بیشتری به استانبول کوچ کردند.

«نزدیکی و همبستگی در اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مشروطه‌خواهان در دو کشور، در دوره استبداد صغیر آشکارتر شد. در این دوره، پشتیبانی ترکان جوان از مشروطه‌خواهان ایرانی که آنها را هم‌مسلك خود می‌دانستند، به بالاترین حد خود رسید» (Kurtulus, 2010: 243).

دهخدا در اولین سرمقاله روزنامه «سروش» چاپ استانبول که در ۱۲ جمادی الآخر ۱۳۲۷ق منتشر گردید، این دلایل را برای فعالیت خود و آزادی‌خواهان ایرانی در استانبول بیان کرد: «جهت جامعه اسلامی و مشرقیت، یگانگی عادات و آداب، قرب جوار، مشابهت ادبیات و نزدیکی زبان و بالاتر از همه، همدردی و هم‌مسلكی ملت ایران و عثمانی سبب شد که سران قوم هر دو طرف، از چندی پیش بمزید روابط ذات البین کوشیده و مخصوصاً در این ماه‌های آخری که پیشقدمان احرار ایران که پس از تعطیل مجلس مقدس شورای کبری در آفاق مختلفه سرگردان بودند، یکبارہ بعد از طلوع نیر حریت در مملکت عثمانی با اجتماع در عثمانی میل نمودند، بزرگان مملکت عثمانی نیز با آغوش‌های گشاده مقدم آنها را پذیرفته و بار دیگر، دل‌های حق‌شناس عموم اهل ایران را از این حُسن‌پذیرایی مملو امتنان ساختند» (سروش، ۱۲ جمادی الآخر ۱۳۲۷ق/ ۱ جولای ۱۹۰۹م، ش: ۱).

یحیی دولت‌آبادی نیز علت فعالیت ایرانیان را در استانبول چنین بیان می‌کند: «... چند مطلب در نظر من است که استانبول را برای این اجتماع، بهتر از جاهای دیگر می‌دانم. اول، رعایت مرکزیت آن نسبت به هر جا و مرکز اسلامیت آن. دوم، اتحادی که میان ترکان جوان با مجاهدین ایرانی حاصل شده و حصول این اجتماع در استانبول، آن اتحاد را تکمیل نموده، تأثیراتش را سریع می‌کند. سوم آنکه به‌واسطه مشروطه گشتن عثمانی، روی دل مسلمانان دنیا عموماً و ایرانیان خصوصاً، به‌جانب این مرکز شده و مستبدین ایران نهایت نگرانی را از این نقطه دارند» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۸/۳).

از میان کسانی که در این دوره به استانبول رفتند، نامی‌تر از همه، دهخدا، مدیر روزنامه «سروش»، علامه قزوینی، تقی‌زاده، کاظم‌زاده ایرانشهر و دیگران بودند. اینان با همکاری روشنفکران عثمانی و تلاش برای ارتباط مؤثر با داخل ایران با روزنامه‌نگاری، توانستند بر تحولات مشروطه اثر

- گذارند و به سقوط استبداد محمدعلی شاهی و استقرار دوباره مشروطه در ایران کمک کنند. به طور کلی، حضور ایرانیان تجددخواه در هر دو مرحله در استانبول، به دلایل زیر اهمیت داشت:
۱. ارتباط دیرینه ایران و عثمانی، به ویژه نفوذ فرهنگ و زبان فارسی در استانبول، باعث همزادپنداری و گرایش بیشتر ایرانیان برای سکونت و فعالیت در استانبول شد.
 ۲. موقعیت جغرافیایی: عثمانی، حایل میان ایران و اروپا بود و موج مدرنیته، ابتدا به استانبول رسید.
 ۳. عثمانی مرکز خلافت اسلامی بود. بنابراین، تحولات آنجا بر همه جهان اسلام اثرگذار بود. از این رو، متجددان ایرانی ساکن استانبول با اشتیاق تلاش می‌کردند تا عثمانی به سوی اصلاحات و تغییر گام بردارد تا دیگر سرزمین‌های اسلامی، از جمله ایران، راحت‌تر بتوانند به سوی قانون و مشروطه حرکت کنند.
 ۴. عثمانی زودتر از ایران دست به اصلاحات گسترده زد و این برای ایرانیان، یک الگو بود.
 ۵. هدف مشترک و همدلی تجددخواهان ایران و عثمانی برای رسیدن به قانون و مشروطه، باعث شد تا منورالفکران هر دو قوم، ایران و عثمانی را یک روح در دو کالبد ببینند.

ترجمه و روزنامه‌نگاری

در ایران و در دوره ناصرالدین‌شاه، تجمیع اداره روزنامه‌جات دولت علیه و دارالطباعة ممالک محروسه زیر نظر اعتمادالسلطنه در دارالترجمه (قاسمی، ۱۳۷۹: ۱/ ۵۵۶) را می‌توان آغاز فعالیت‌های سازمان‌یافته دارالترجمه دانست. از ذی‌الحجه سال ۱۳۰۰ ق به فرمان ناصرالدین‌شاه، مترجمان همه وزارتخانه‌ها به این مرکز پیوستند و اهمیت دارالترجمه بیشتر گشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۲۶۰). از مهم‌ترین مترجمان ترکی عثمانی دارالترجمه، محمد عارف اسپناقچی پاشا زاده بود. از جمله ترجمه‌های وی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- شرح عراق عرب از روزنامه‌های استانبول در ۱۳۰۱ ق (آذرتنگ، ۱۳۹۴: ۳۱۲)؛
- سفرنامه خیوه، اثر ماگان در ۱۳۰۳ ق (صالحی، ۱۳۹۶: ۷۵)؛
- نمایشنامه تمثیل عروس و داماد، اثر مولیر را میرزا جعفر قراچه داغی در ۱۳۰۸ ق که آن را از روی ترجمه ترکی احمد و فیک پاشا برگرداند و به تبعیت از ترجمه ترکی، تغییرات و تطبیقات بسیاری نسبت به متن فرانسه داد و در کل، شرقی شدن آدم‌ها و وقایع، از مهم‌ترین آنهاست (ملک‌پور، ۱۳۸۵: ۳۶۳/۱-۳۶۷)؛

- تاریخ اقصای شرق یا محاربه روس و ژاپون - که در تهییج مشروطه‌خواهان نقش بی‌بدیلی

شاوندی و مرادی خلیج: تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»... ۱۷

داشت (فشاهی، ۱۳۵۲: ۲۵) - توسط میرزا باقرخان مترجم تبریزی، از زبان‌های فرانسه و ترکی به فارسی برگردانده شد (گاللی و ثنایی بیک، ۱۳۳۲ق: ۲).

با وجود اینکه در ایران ترجمه کتب گوناگون از ترکی عثمانی به فارسی در کنار ترجمه از زبان‌های اروپایی، از جمله فرانسه و انگلیسی، در جریان بود، ولی تأثیر عمده ترجمه از مسیر عثمانی را نه ترجمه کتب از ترکی استانبولی، بلکه بیشتر از طریق روزنامه‌هایی چون «اختر» و «سروش» انجام شد. به علاوه، با تکوین جریان روشنفکری در نیمه دوم سلطنت ناصرالدین‌شاه، ایرانیان بیشتر به اصلاحات سیاسی - اجتماعی گرایش پیدا کردند و خواهان برقراری حکومت قانون و تحدید قدرت شاه بودند. این گرایش تازه، باعث شد تا شاه و درباریان نگاه دوگانه‌ای نسبت به اصلاحات داشته باشند؛ از یک سو، به توسعه فناوریانه اهمیت می‌دادند و از سوی دیگر، در برابر افکار جدید قانون‌خواهی و تحدید سلطنت به شدت برخورد می‌کردند. به همین منظور، اعتمادالسلطنه برای جلوگیری از گسترش تفکر انتقادی، به شاه پیشنهاد داد: «در دولت‌های اروپا، سدّ راه این عیب را از ممالک خویش، دایره تفتیش ایجاد کرده‌اند و اسم آن، سانسور است.» این پیشنهاد، «بر خاطر مبارک بسی پسندیده آمد و فرمان رفت تا هم تحت نظر این خانزاد (اعتمادالسلطنه) در حدود ایران سانسور ایجاد شود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۱۵۹/۱).

بدین ترتیب، دگراندیشان با گسترش فضای خفقان و سانسور و برای نجات جان خود و نیز اشاعه افکار انتقادی، به سرزمین‌های دیگر، از جمله استانبول مهاجرت کردند. این امر، باعث پیدایش نخستین روزنامه برون‌مرزی به زبان فارسی شد و روزنامه «اختر» به وجود آمد. روزنامه‌های «اختر» و بعدها «سروش» در استانبول، علاوه بر ترجمه و چاپ اخبار روز اروپا و به‌ویژه عثمانی، مقالاتی نیز با موضوعات سیاسی و انتقادی از زبان‌های ترکی عثمانی و اروپایی، ترجمه و چاپ می‌کردند که در اینجا، ارتباط ترجمه و روزنامه‌های «اختر» و «سروش» در جهت گفتمان حاکم بر این روزنامه‌ها و انتقاد از استبداد، بررسی می‌شود.

الف. اختر

«اختر»، نخستین روزنامه ایرانی است که در خارج از ایران طبع و منتشر شده است. بانی و ناشر آن، محمدطاهر میرزا تبریزی بود (براون، ۱۳۷۶: ۴۵۳). شماره نخست آن، در ۱۲۹۲ق / ۱۸۷۶م در استانبول منتشر شد و انتشار آن با فرازونشیب‌هایی تا ۱۳۱۴ق / ۱۸۹۶م ادامه داشت (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۶۳/۱). گفتارهای این روزنامه، «مایه بیداری کسان بسیاری گردید و نویسندگان کسان

باغیرت و نیکی می‌بودند» (کسروی، ۱۳۷۳: ۱۸ و ۴۰). اختر، محفل روشنفکران و مرکز اجتماع دانشمندان تبعیدشده ایران، از جمله: میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، میرزا مهدی خان تبریزی، میرزاعلی محمدخان کاشانی، میرزا حبیب اصفهانی، میرزا یوسف خان مستشارالدوله و زین‌العابدین مراغه‌ای بود. روزنامه «اختر»، چنان شهرت و اهمیتی در ایران، قفقاز، عثمانی، هندوستان و عراق به دست آورد که در بعضی از نواحی قفقاز که مردم عوام روزنامه خواندن را کفر می‌پنداشتند، خواص را که اشتیاق به خواندن روزنامه داشتند، اختری‌مذهب می‌نامیدند (براون، ۱۳۷۶: ۴۵۳؛ آربین‌پور، ۱۳۷۴: ۲۵۰).

۱. اختر، ترجمه و آگاهی ایرانیان

اختر را می‌توان آغازین حرکت روزنامه‌نگاری در حوزه تمدن ایرانی و خارج از ایران دانست که فارغ از دستگاه دولتی و به‌صورت آزادانه انتشار می‌یافت. به همین دلیل، بسیاری از مطالب و اخبار و مقالات آن، ترجمه و اقتباس از منابع و روزنامه‌های عثمانی و اروپایی بود. نویسندگان اختر با ترجمه اخبار و مقالات منابع اروپایی و عثمانی، در اطلاع‌رسانی تحولات روز اروپا و همسایه غربی به درون مرزهای سیاسی ایران دوره قاجار کمک بزرگی کردند و به گسترش اندیشه قانون‌خواهی و ایجاد تغییر در ایران دامن زدند.

روزنامه «اختر»، نقش پُررنگی در ورود اندیشه‌های جدید به ایران ایفا کرد و تقریباً در بیشتر شماره‌های آن، مقاله‌هایی در باره اندیشه‌های جدید به چاپ رسید؛ به‌عنوان نمونه، مقالات بسیاری در مورد آزادی افکار (اختر، ۱۱ صفر ۱۲۹۳ق/ ۷ مارس ۱۸۷۶م، ش ۳۷: ۱)، حدود و اهمیت آزادی (اختر، سال سوم، ش ۱۲، ۲۸ صفر ۱۲۹۴ق/ ۱۴ مارس ۱۸۷۷م، ش ۱۲: ۲) و آزادی مطبوعات (اختر، ۲۷ ذی‌الحجه ۱۲۹۲ق/ ۲۴ ژانویه ۱۸۷۶م، ش ۸: ۳) به چاپ رسید. اختر همچنین در یکی از مقالات خود، به مساوات و برابری می‌پردازد و برای نخستین بار وجود تفکر و احزاب کمونیستی را اطلاع‌رسانی می‌کند:

«... و فرقه دیگر بمساوات (کومونیستی) و برابری مطلق معتقد شده و الآن در اطراف فرنگستان، جمعیتی چند بر این معتقد فراهم شده و در همه جا اعضاء و هواخواهان دارند...» (اختر، ۱۲ ربیع‌الاول ۱۲۹۴ق/ ۲۸ مارس ۱۸۷۷م، ش ۱۵: ۲-۱).

از سوی دیگر، در چند شماره به روشنفکران اروپایی اشاراتی دارد؛ از جمله، با ترجمه اخبار روزنامه‌های اروپایی می‌نویسد:

شاوندی و مرادی خلج: تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»... ۱۹

«در یکی از روزنامه‌های فرنگستان دیده شد که «ویکتور هوغو» نام مؤلف معروف در شهر لیون، در میان یک جمعیت علمیه که مخصوص طایفه عملجات بوده، نطق بسیار خوبی کرده... خلاصه ترجمه نطق مذکور، بقرار ذیل است... مدنیت زمان آینده، به سه کلمه مرکب است: آزادی، برابری و برادری...» (اختر، سال سوم، ۱۹ ربیع‌الأول ۱۲۹۴ق/ ۴ آوریل ۱۸۷۷م، ش ۱۷: ۳).

در شماره‌ای دیگر، خبرنگار اختر مقیم آن، ضمن اشاره به آثار ورود عثمانی به مشروطه (قانون اساسی مدحت‌پاشا)، اشاره‌ای هم به اندیشه‌های ژان ژاک روسو، اندیشمند عصر روشنگری می‌کند: «ژان روسو نام فیلاسوف نوشته است که مردمان را طول عمر و زندگانی^۱ در دست خودشان نیست؛ ولی دراز کردن عمر مملکت خود و زندگانی^۲ هیئت مجموعه بقدریکه بخواهند، در دست اهالی است...» (اختر، ۲۲ ربیع‌الأول ۱۲۹۴ق/ ۷ آوریل ۱۸۷۷م، ش ۱۸: ۴).

نویسندگان اختر، با الهام از فضای رویارویی سنت و تجدد در استانبول، مقاله‌ای تحت عنوان «ریاست روحانیه و حکومت جسمانیه» به چاپ رساندند و اندیشه همکاری و اتفاق دین و سیاست را به جامعه ایرانی و به‌منظور رسیدن به سعادت مردمان مخابره کردند: «ولی باید فهمید که آیا وظایف روحانیه و جسمانیه، به همدیگر^۳ مربوط است یا نه؟ یقیناً بسته به همدیگر^۴ است؛ به علت اینکه روح و جسم از همدیگر جدا نتوانند شد و قیام و قوام هر یکی با دیگری است... بدیهی است که در میان هر ملت و قومی، رؤسای روحانیه را محترم داشتن و موافق بودن خیالات ایشان با منظورات عادلانه و مقدسه دولت، از اهم امور است» (اختر، ۲۲ صفر ۱۲۹۳ق/ ۱۸ مارس ۱۸۷۶م، ش ۴۵: ۱).

در جایی دیگر، برای رسیدن به قانون، به ایرانیان و علما سفارش می‌کند: «چنانچه فقه و اصول را در تمامی قوانین آن می‌توان بکار برد، تنها برای یاد دادن و یاد گرفتن مسائل عبادتی در این مقام کافی ندانند و مردم را ترغیب و تشویق به یادگرفتن هرگونه علوم و فنون نمایند؛ بل اطفال خودشان و ابنای ملت را بدون فوت وقت، به یادگرفتن زبان‌های

۱. اصل: زنده کانی.

۲. اصل: زنده کانی.

۳. اصل: بهم‌دیگر.

۴. اصل: بهم‌دیگر.

خارجه و خواندن کتب آنها و ادارند و بعد تقاضای قانون نمایند» (اختر، سال هفدهم، ۲۴ محرم ۱۳۰۸ق/ ۹ سپتامبر ۱۸۹۰م، ش ۴: ۴).

۲. ترجمه قانون اساسی مدحت پاشا

از مهم‌ترین اقدامات نویسندگان و مترجمان اختر، ترجمه و چاپ قانون اساسی سال ۱۸۷۶م، معروف به قانون اساسی مدحت پاشا است. این اقدام از نظر مترجمان اختر، چنان مهم بود که بعد از وعده‌هایی مبنی بر ترجمه و چاپ این قانون، سرانجام در ۲۳ محرم ۱۲۹۴ق/ ۷ فوریه ۱۸۷۷م در شماره چهارم سال سوم، آن را عیناً منتشر کردند. نویسندگان اختر، به این امید دست به چاپ قانون اساسی مدحت پاشا زدند که نخست این قانون، نقطه عطفی در ایجاد قانون در سرزمین‌های اسلامی بود و وزن آزادی‌خواهان را در معادلات سیاسی سنگین‌تر می‌کند. دوم اینکه با انتشار آن، به‌ویژه به دولت‌مردان ایرانی گوشزد می‌کرد حال که عثمانی به‌عنوان مرکز جهان اسلام به قانون رسیده، چرا دیگر ملل اسلامی از جمله ایرانیان، به چنین قانونی نرسند؟

قانون اساسی مدحت پاشا، موارد مهمی را شامل می‌شد؛ از جمله: حقوق عمومی افراد، حریت شخصیه، آزادی مطبوعات، آزادی تجاری، صنعتی و فلاحتی تبعه عثمانی، مساوات و برابری همه اتباع در برابر قانون، منع هرگونه شکنجه، امنیت جان و مال و مسکن، تشکیل مجلس عمومی از دو هیئت، یعنی هیئت اعیان و هیئت مبعوثان ملت، ایجاد محاکم عدلیه و قانون بودجه دولت (اختر، ۲۳ محرم ۱۲۹۴ق/ ۷ فوریه ۱۸۷۷م، ش ۴: ۸۲). در همین رابطه، اختر در سرمقاله‌ای با عنوان «اساس مسلمانی - قانون اساسی»، پس از اشاراتی به مسلمانی و پایه‌های آن، به دو اصل «عدالت و حریت» می‌پردازد که مکمل یکدیگرند. پس از آن، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که وجود قانون، موافق شریعت است:

«قانون اساسی، بشرط استقامت و حُسن استعمال، با اساس مسلمانی منافات ندارد، سهل است، برپادارنده اساس مسلمانی است، افزاینده بر شکوه و رونق مسلمانی است» (اختر، ۹ ربیع‌الأول ۱۲۹۴ق/ ۲۴ مارس ۱۸۷۷م، ش ۱۴: ۲).

به دنبال این سرمقاله، ترجمه نطق همایون را در افتتاح مجلس عمومی (دوشنبه ۵ ربیع‌الأول ۱۲۹۴ق/ ۱۹ مارس ۱۸۷۷م) به چاپ می‌رساند. سلطان در این نطق، علت تنزل ترقیات کشور را اطاعت نکردن «بشرع شریف و بقوانین موضوعه» می‌داند. سپس، به «ترقیات دول متمدنه و امنیت و معموریت» آنان اشاره می‌کند و آن را ناشی از «ثمرات مصالح و قوانین عمومی» می‌داند و بیان

شاوندی و مرادی خلیج: تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»... ۲۱

می‌کند:

«قوانین مملکت را بآرای عمومیه استناد دهیم. این است که قانون اساسی را اعلان کردیم» (اختر، ۹ ربیع‌الأول ۱۲۹۴ق / ۲۴ مارس ۱۸۷۷م، ش ۱۴: ۴).

با سکوت رسانه‌های داخل ایران، انتشار قانون اساسی عثمانی در حدود سی سال پیش از تدوین قانون اساسی مشروطیت ایران، از نظر انتشار اندیشه‌های مشروطه‌خواهی در ایران، دارای اهمیت خاصی است (رئیس‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۷/۱). با وجود اینکه قانون اساسی عثمانی می‌توانست تحرک دامنه‌داری در میان منورالفکران دوره قاجار برای ایجاد قانون در ایران ایجاد کند، ولی به علت استبداد دربار و فضای سانسور در دوره ناصرالدین‌شاه و نیز ناکامی مدحت‌پاشا و مشروطه‌اول عثمانی، تلاش برای تغییر در ایران تا انقلاب مشروطه تقریباً هم‌زمان با فعالیت‌های ترکان جوان برای مشروطه دوم عثمانی به تعویق افتاد.

۳. ترجمه و نقد قرارداد تنباکو در عثمانی و ایران

تجارت و خریدوفروش انحصاری توتون و تنباکوی ایران، طبق قراردادی بین دولت ایران و شرکت انگلیسی رژی در سال ۱۳۰۷ق / ۱۸۹۰م، به ماژور جرالد تالبوت^۱ داده شد (براون، ۱۳۷۶: ۴۷). این قرارداد در مقایسه با قرارداد مشابهی که انگلیسی‌ها با دولت عثمانی بسته بودند، به مراتب زیان‌بارتر بود. در ایران به محض اطلاع یافتن از مفاد قرارداد و شروع به کار شرکت رژی، اعتراض‌های دامنه‌داری آغاز شد که در نهایت، به لغو آن انجامید. این اعتراض‌ها، «نخستین تکان در توده ایران» به وجود آورد. نویسندگان روزنامه «اختر»، در پیشامد امتیاز توتون و تنباکو، گفتارهای مغزدار و سودمندی نوشتند که یکی از انگیزه‌های آگاهی مردم، آن گفتارها بود (کسروی، ۱۳۷۳: ۱۷ و ۱۹). به نظر می‌رسد کسروی به گزارش‌های اختر در باره این قرارداد و مقایسه آن با قرارداد تنباکوی عثمانی، به این نتیجه رسید و از نقش اختر در نخستین حرکت مردمی دوره قاجار، آگاهی کامل داشت.

«اختر»، نخستین روزنامه ایرانی و از اوّلین منابع اطلاع‌رسانی در باره قرارداد رژی است. این روزنامه، مذاکرات و متن قرارداد را قبل از آنکه در ایران اعلام شود، منتشر کرد و از واگذاری این امتیاز اظهار نگرانی نمود. اختر، مفاد این امتیاز را از روزنامه ترک‌زبان «صبح» ترجمه و اقتباس کرده است (براون، ۱۳۷۶: ۵۹). روزنامه «صبح» به نقل از روزنامه «فرنگستان»، به مقایسه این قرارداد با قرارداد

توتون و تنباکوی عثمانی می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که این برای مردم ایران، زیان‌بار است. نویسندگان و مترجمان اختر، سپس اعلام می‌کنند که این مطالب را از روزنامه «صبح» و منابع اروپایی ترجمه کردند و اظهار امیدواری می‌کنند که این‌گونه نباشد و از دربار ایران خواستار این هستند که در باره این قرارداد اطلاع‌رسانی کنند تا در شماره‌های آتی خود به چاپ برسانند (اختر، ۲۷ ربیع‌الأول ۱۳۰۸ق / ۱۱ نوامبر ۱۸۹۰م، ش ۱۳: ۴-۳).

روزنامه «اختر» با اطلاع از صحت قرارداد، مقالات تندی در نقد این امتیازنامه منتشر کرد. اختر مصاحبه‌ای با تالبوت در استانبول انجام داد و ضمن نقدهای جدی به این امتیازنامه، آن را منتشر کرد (اختر، ۹ جمادی‌الآخر ۱۳۰۸ق / ۲۰ ژانویه ۱۸۹۰م، ش ۲۳: ۴). شماره‌هایی از اختر که در روزهای اعتراضات به هر صورت به دست بعضی روشنفکران داخل می‌رسید، در تشدید شکل‌گیری اعتراض‌های توده‌ای تأثیر حتمی داشت. وزیرمختار فرانسه، هنگام گزارش حوادث قیام شیراز، ضمن اشاره به سخنرانی شدیدالحن فال اسیری در مسجد وکیل بر ضد قرارداد، متذکر می‌شود که به نظر می‌رسد سخنان سید علی‌اکبر، از مقاله اختر الهام گرفته است (رئیس‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۳۱/۱). بدین ترتیب، با اقدامات روشنگرانه اختر و گسترش دامنه اعتراض‌ها، سرانجام قرارداد رژی لغو شد.

ب. سروش؛ ترجمه و تفکر انتقادی

به توپ بستن مجلس اول و به قدرت رسیدن هواداران استبداد، بار دیگر عرصه را بر مشروطه‌خواهان تنگ کرد. این بار، نیروهای هوادار استبداد با شدت بیشتری به سرکوب مشروطه‌خواهان پرداختند. دهخدا که همکار میرزا جهانگیرخان در روزنامه «صوراسرافیل» بود و با نگارش مقالاتی در این روزنامه به جدال با نظام استبداد و هواداران آن می‌پرداخت، پس از دستگیری و کشته شدن جهانگیرخان در باغ شاه، در سفارت انگلستان پناهنده شد و با فرصت به‌دست آمده، راهی اروپا شد (کسروی، ۱۳۷۳: ۶۵۵ و ۶۶۷) و در آنجا با مشقت فراوان توانست سه شماره دیگر از صوراسرافیل را منتشر کند و پس از آن، به استانبول رفت.

صدور فرمان مشروطه در عثمانی در ۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۲۶ق / ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۸م، هم‌زمان با دوره استبداد صغیر در ایران بود. بنابراین، فضای فعالیت سیاسی ایرانیان در استانبول بیش از پیش فراهم شد. ترجمه یکی از مقالات روزنامه‌های ترک در استانبول به‌وسیله علی اصفهانی در روزنامه «سروش»، نشان می‌دهد که در این زمان، ترکان نگاه ویژه‌ای به تحولات ایران داشتند:

شاوندی و مرادی خلج: تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»... ۲۳

«وقایع تأسف آمیز ایران از سایر اقوام، بیشتر جالب دقت و توجه ماهاست... این بواسطه آن روابط قویّه است که میان ما و ایرانیان موجود می‌باشد. روابط مزبور، فقط ناشی از این نیست که ایشان از اقوام شرق و مسلمان و همسایه مودت پرور عثمانی هستند؛ بلکه بسبب آن ارتباطی است که با زبان و ادبیات آنها داریم. مزید بر اینها، فرط محبت و مجاهدتی است که در استحصال حقوق مقدسه بشریه و حریت سیاسیه با کمال دلیری و مردانگی اظهار مینمایند... انصاف را سزا نیست ملتی که از دست تغلب و اعتساف پادشاه خود می‌خواهد حقوق مدنیّه خویش را بگیرد و در خصوص اثبات لیاقت بزنگانی آزادانه این همه جان‌بازی مینماید، مایوس و محروم گذاشته شود» (سروش، ۱۲ جمادی الآخر ۱۳۲۷ق/ ۱ جولای ۱۹۰۹م، ش ۱: ۳).

مجموعه این عوامل، باعث شد تا بسیاری از مشروطه‌خواهان، از جمله دهخدا، استانبول را کانون فعالیت‌های ضدّ استبدادی انتخاب کنند. نخستین شماره سروش در تاریخ ۱۲ جمادی الآخر ۱۳۲۷ق به مدیرمسئولی و سردبیری علی اکبر دهخدا، در استانبول منتشر شد. روزنامه به صورت هفتگی، در هشت صفحه و عمدتاً با مقالاتی از: دهخدا، حسین دانش، حسین کاظم‌زاده، احمد آقایی و یحیی دولت‌آبادی منتشر می‌شد. سروش پس از چهارده شماره، تا دهم ذی‌قعدة همان سال انتشار یافت.

مترجمان در روزنامه «سروش»، همان سیاست‌های کلی انتقادی حاکم بر خط‌مشی روزنامه را دنبال می‌کردند. تلاش آنان، معطوف به مبارزه با استبداد و عوامل آن بود. با توجه به اینکه شماره‌های نخستین آن، هم‌زمان با تکاپوی مشروطه‌خواهان برای فتح تهران بود، بیشتر مطالب و مقالات این روزنامه نیز به تحولات ایران می‌پرداخت. پس از پیروزی مشروطه‌خواهان و فتح تهران، نویسندگان و مترجمان سروش علاوه بر پوشش اخبار و تحولات پس از استبداد صغیر، مطالبی را ترجمه کردند که به روند آموزش سیاسی عمومی، آگاه کردن جامعه و تسهیل ورود تجدد به کشور کمک کرده باشند. در سراسر شماره‌های این روزنامه، سیاست ضدّ روسی نویسندگان آن، آشکار است. روسیه و عوامل آن که از استبداد محمدعلی شاه حمایت می‌کردند، مورد حمله نویسندگان سروش بود. سروش با شناخت درست تحولات جهانی و رقابت روس و انگلیس در ایران، تلاش می‌کرد این آگاهی را به ایران انتقال دهد تا مبارزان در ایران را به مقاومت و ایستادگی تهییج کند. از جمله در پرسش و پاسخ نمایندگان مجلس بریتانیا با وزیر خارجه آن کشور، آمده که نمایندگان، وزیر را در باره مقاومت مردم تبریز، حضور روس‌ها در آنجا و لزوم حفظ استقلال ایران تحت فشار قرار دادند (سروش، ۱۲

جمادی‌الآخر ۱۳۲۷ق / ۱ جولای ۱۹۰۹م، ش ۱: ۳). در مقاله‌ای که توسط صادق گرگانی، شاگرد قدیم مدرسه سیاسی ترجمه شد و در شمارگان یک تا چهار به چاپ رسید، به رقابت روس و انگلیس در آسیا، از جمله ایران، تا قرارداد ۱۹۰۷م می‌پردازد تا جایگاه ایران را در تحولات جهانی نشان دهد. بازتاب فتح تهران و سقوط استبداد محمدعلی شاه در روزنامه‌های محلی، موضوع دیگری بود تا مترجمان سروش اهمیت انقلاب دوم را در سطح بین‌الملل به مبارزان مشروطه گوشزد کنند (سروش، ۳ رجب ۱۳۲۷ق / ۲۱ جولای ۱۹۰۹م، ش ۴: ۵). روس‌ها بهانه دخالت در امور ایران را «مقاصد احرار ایران عداوت با ملل خارجه» می‌دانند. به همین منظور، سروش در مقاله‌ای ترجمه «لایحه‌ای که رئیس انجمن ایرانیان در مصر بمطبوعات ملل متمدنه نوشته است»، به چاپ رساند و در آن مدعی شد که فتح تهران، تنها برای مبارزه با استبداد و برپایی مشروطه است؛ نه برهم زدن نظم جهانی. تا از این طریق، مشروطه را از گزند حوادث ناگوار دور کند و به تثبیت مشروطه در سطح بین‌الملل کمک کرده باشد (سروش، ۳۰ شعبان ۱۳۲۷ق / ۱۵ سپتامبر ۱۹۰۹م، ش ۷: ۳).

نویسندگان و مترجمان سروش، پس از به سرانجام رسیدن تلاش مشروطه‌خواهان برای شکست استبداد و سقوط محمدعلی شاه، تلاش کردند تا حکومت در اختیار مستبدین به‌ظاهر مشروطه‌خواه نیفتد و مشروطه در شکل راستین خود به اجرا گذاشته شود. بنابراین، مقاله‌ای تحت عنوان «اوضاع و احوال ایران» به قلم احمد آقاییف ترجمه و تألیف^۱ شد که برگرفته از روح القوانین منتسکیو، ابتدا به تفاوت حکومت‌های استبدادی و دمکراتیک می‌پردازد و سپس هشدار می‌دهد:

«محض خلع محمدعلی و قمع حشرات او، آثار استبداد پنج‌هزارساله از طبایع مردم رفع نخواهد گشت.» پس، «اگرچه مشروطه رسماً اعلان شده، ولی در واقع، همان استبداد قدیمه در احوال و اوضاع مردم و همان هرج و مرج‌ها در مملکت باقی و قائم است» (سروش، ۱۲ رمضان ۱۳۲۷ق / ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹م، ش ۸: ۲).

نویسندگان سروش، همانند آموزگاران برای ایرانیان، در مقاله‌ای به تفاوت معارف ایران با مدارس عثمانی و عقب‌ماندگی توسعه معارف در ایران اذعان دارند و تأکید می‌کنند با توجه به اینکه «مناسبت و مشابیهتی که در بین قوانین ایران و عثمانی خواهد بود، در بین قوانین اروپا^۲ و ایران نخواهد بود» (سروش، ۱۲ رمضان ۱۳۲۷ق / ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹م، ش ۸: ۵). با گسترش مدارس

۱. نویسنده مقاله (آقاییف)، اشاره‌ای به زبان ترجمه نکرد. بنابراین، نمی‌توان با قطعیت اذعان کرد که مطالب روح القوانین را از چه زبانی ترجمه کرد؛ از فرانسه یا زبانی واسطه؟

۲. اصل: اروپا.

شاوندی و مرادی خلیج: تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»... ۲۵

نوبین، به‌ویژه در حوزه علم حقوق و حقوق اساسی، اهتمام شود تا همان‌گونه که جامعه مسلمان عثمانی، قسمتی از قوانین خود را از ملل اروپایی، به‌ویژه فرانسه وام گرفته‌اند، ما نیز چنین کنیم. در نتیجه، با توجه به ضعف مدارس در ایران دوره قاجار و برای آگاهی بیشتر ایرانیان از حقوق خود در حکومت مشروطه، از شماره هشت تا چهارده، به معرفی کتابی در زمینه حقوق اساسی، ترجمه و تألیف میرزا عبدالله خان نایب دوم سفارت ایران در پترزبورگ و شاگرد قدیم مدرسه سیاسی، به قلم دهخدا تلخیص و چاپ می‌شود. این کتاب، برگرفته از *حقوق اساسی* تألیف رنه فونیه^۱ فرانسوی است که «در مدارس فرانسه تعلیم و تعلم می‌شود» (سروش، ۱۲ رمضان ۱۳۲۷ ق/ ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹ م، ش ۸: ۲). این کتاب، در سه بخش توضیحات مفیدی ارائه می‌دهد:

«قسمت اول، وضع و شکل دولت (انواع حکومت). قسمت دوم، اعضای رئیسه آن و قسمت سوم، اندازه و حد اقتدارات دولت نسبت بافرد یا اصول حقوق شخصیه» (سروش، ۱۲ رمضان ۱۳۲۷ ق/ ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹ م، ش ۸: ۳).

در پایان، دهخدا متأثر از فضای فکری استانبول و ضعف جوامع اسلامی در برابر غرب، ندای وحدت اسلامی سر می‌دهد و به نقل از روزنامه «ترقی»^۲، مقاله معروف «وحدت اسلامی» شیخ محمد عبده را ترجمه و چاپ می‌کند. در این مقاله، از تفرقه جوامع اسلامی، به‌عنوان تنها علت سقوط مسلمانان، برحذر داشته می‌شوند و بر لزوم بازگشت به شوکت گذشته مسلمانان و وحدت جامعه اسلامی تأکید می‌شود (سروش، ۲۰ رمضان ۱۳۲۷ ق/ ۵ اکتبر ۱۹۰۹ م، ش ۹: ۸).

1. rome foignet.

۲. از روزنامه‌های ترکان جوان که از مشروطه و تمرکززدایی حمایت می‌کرد و در سال ۱۹۰۶ م به زبان ترکی عثمانی منتشر شد و حاوی اخباری در موضوعات اجتماعی و سیاسی بود. این روزنامه، متعلق به ارگان حزب «تشیث شخصی و عدم مرکزیت» شاهزاده صباح‌الدین بود که خود را طرفدار حقوق اقلیت‌ها می‌دانست (Büşra Durmuş, 2016: 121-124).

نتیجه

در بررسی ارتباط ترجمه و روزنامه‌های «اختر» و «سروش» استانبول با تجدد و اندیشه تغییر و مبارزه با استبداد قاجار در ایران، می‌توان چنین اظهار کرد که نقش مهم را در این زمینه، فضای فکری استانبول و گفتمان حاکم بر تحولات و اصلاحات عثمانی سده نوزدهم و آغازین سال‌های سده بیستم ایفا کردند. اگرچه زبان ترکی عثمانی در کنار زبان‌های اروپایی، به روند ترجمه متون جدید و تنوع زبانی نهضت ترجمه دوره قاجار کمک کرد، ولی این فضای فکری استانبول بود که به‌ویژه از طریق ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»، بر اندیشه تجدد و مبارزه با استبداد قاجار، اثر پایدار و عمده‌ای داشت. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ایرانیان و منورالفکران ایرانی، به تحولات عثمانی با دیده مثبت می‌نگریستند و باعلاقه هرچه بیشتر پی‌گیر موفقیت‌های اصلاح‌طلبان عثمانی بودند و تغییر و اصلاح در عثمانی را به‌عنوان الگویی مناسب برای تغییر و ایجاد حاکمیت قانون در ایران می‌دانستند. عثمانی که مشابهت‌های فراوان فرهنگی و تاریخی با ایران داشت و نسبت به ایران در تماس کامل‌تر با غرب بود و به‌علاوه، زودتر از ایران تجربه برخورد با تمدن نوین غرب داشت، به‌خوبی توانست نقشی پیشرو و نمونه‌ای تجربه‌شده در برابر دیدگان دگراندیشان و منورالفکران ایرانی قرار دهد؛ هم تجربه برخورد سنت اسلامی با موج مدرنیسم غربی بود و هم پشتیبان فکری - سیاسی منورالفکران ایرانی در تحولات سیاسی، مانند: جریان تنباکو، نهضت مشروطه و مبارزه با استبداد صغیر.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که در انتقال تجدد و گفتمان انتقادی، عثمانی توانست نقش پیشرو و نیز تمرینی برای ایران داشته باشد. این نقش، از طریق منابع ترجمه‌ای و به‌ویژه پیش از مشروطه با مقالات و اخبار روزنامه «اختر» و پس از آن و در جریان مبارزه با استبداد صغیر در روزنامه «سروش»، به ایران مخابره می‌شد. این روزنامه‌ها در دو بُعد، حامل اندیشه تغییر به ایران بودند؛ از یک سو، با توجه به موقعیت برتر جغرافیای عثمانی در هم‌جواری با اروپا در مقایسه با ایران، توانستند به‌صورت مستقیم تفکر انتقادی و مدرن را به جامعه ایرانی انتقال دهند. از سوی دیگر، با تجربه فضای فکری - سیاسی استانبول در برخورد با موج تجدد و پیدایش اندیشه اتحاد دنیای اسلام در فضای فکری عثمانی، این تفکر در ایران تقویت شد. بدین ترتیب، مترجمان و مبارزان ایرانی ساکن استانبول، حامل انتقال اندیشه دوگانه به ایران بودند؛ هم اندیشه مدرن، و هم ایجاد نظریه اتحاد اسلام و بازگشت به تمدن اسلامی.

منابع

الف. کتاب‌ها

۱. آبادیان، حسین (۱۳۸۸). بحران آگاهی و تکوین روشنفکری در ایران، تهران: انتشارات کویر.
۲. آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۴). تاریخ ترجمه در ایران از دوران باستان تا پایان عصر قاجار، تهران: ققنوس.
۳. آرین پور، یحیی (۱۳۷۴). از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب پارسی)، تهران: زوار.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۰). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۵. — (۱۳۷۴). المآثر والآثار چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۱، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر.
۶. براون، ادوارد (۱۳۷۶). انقلاب مشروطیت ایران، مهری قزوینی، تهران: انتشارات کویر.
۷. — (۱۳۸۶). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، محمد عباسی، تهران: نشر علم.
۸. بهنام، جمشید (۱۳۸۳). ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
۹. حضرتی، حسن (۱۳۸۹). مشروطه عثمانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
۱۰. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱). حیات یحیی، ج ۳، تهران: عطار.
۱۱. رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۸۵). ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج ۱، تهران: نشر مینا.
۱۲. شاولستفورد جی و ازل کورال شاول (۱۳۷۰). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۲، محمود رمضان زاده، مشهد: انتشارات آستان قدس معاونت فرهنگی.
۱۳. صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان: انتشارات کمال.
۱۴. قاسمی، فرید (۱۳۷۹). مشاهیر مطبوعات ایران: اعتمادالسلطنه، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. کسروی، احمد (۱۳۷۳). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
۱۶. گاللی، هانری و فؤاد ثنایی بیک (۱۳۳۲ق). تاریخ اقصای شرق یا محاربه روس و ژاپون، میرزا باقرخان مترجم تبریزی، تهران: کتابخانه حاجی شیخ احمد کتاب‌فروشی شیرازی.
۱۷. ملک پور، جمشید (۱۳۸۵). ادبیات نمایشی در ایران، تهران: توس.
۱۸. ناطق، هما (۱۳۸۶). ایران در راهیابی فرهنگی (۱۸۳۴-۱۸۴۸م)، پاریس: انتشارات خاوران و مرکز پخش پگاه.

ب. روزنامه‌ها

۱. اختر، سال اول، شماره ۸، ۲۷ ذی‌الحجه ۱۲۹۲ق / ۲۴ ژانویه ۱۸۷۶م.
۲. —، سال اول، شماره ۱۲، ۲۷ ذی‌الحجه ۱۲۹۲ق / ۲۴ ژانویه ۱۸۷۶م.
۳. —، سال دوم، شماره ۳۷، ۱۱ صفر ۱۲۹۳ق / ۷ مارس ۱۸۷۶م.
۴. —، سال دوم، شماره ۴۵، ۲۲ صفر ۱۲۹۳ق / ۱۸ مارس ۱۸۷۶م.
۵. —، سال سوم، شماره ۴، ۲۳ محرم ۱۲۹۴ق / ۷ فوریه ۱۸۷۷م.
۶. —، سال سوم، شماره ۱۲، ۲۸ صفر ۱۲۹۴ق / ۱۴ مارس ۱۸۷۷م.
۷. —، سال سوم، شماره ۱۴، ۹ ربیع‌الأول ۱۲۹۴ق / ۲۴ مارس ۱۸۷۷م.
۸. —، سال سوم، شماره ۱۵، ۱۲ ربیع‌الأول ۱۲۹۴ق / ۲۸ مارس ۱۸۷۷م.
۹. —، سال سوم، شماره ۱۷، ۱۹ ربیع‌الأول ۱۲۹۴ق / ۴ آوریل ۱۸۷۷م.
۱۰. —، سال سوم، شماره ۱۸، ۲۲ ربیع‌الأول ۱۲۹۴ق / ۷ آوریل ۱۸۷۷م.
۱۱. —، سال هفدهم، شماره ۴، ۲۴ محرم ۱۳۰۸ق / ۹ سپتامبر ۱۸۹۰م.
۱۲. —، سال هفدهم، شماره ۱۳، ۲۷ ربیع‌الأول ۱۳۰۸ق / ۱۱ نوامبر ۱۸۹۰م.
۱۳. —، سال هفدهم، شماره ۲۳، ۹ جمادی‌الآخر ۱۳۰۸ق / ۲۰ ژانویه ۱۸۹۰م.
۱۴. سروش، شماره ۱، ۱۲ جمادی‌الآخر ۱۳۲۷ق / ۱ جولای ۱۹۰۹م.
۱۵. —، شماره ۲، ۱۹ جمادی‌الآخر ۱۳۲۷ق / ۸ جولای ۱۹۰۹م.
۱۶. —، شماره ۳، ۲۵ جمادی‌الآخر ۱۳۲۷ق / ۱۴ جولای ۱۹۰۹م.
۱۷. —، شماره ۴، ۳ رجب ۱۳۲۷ق / ۲۱ جولای ۱۹۰۹م.
۱۸. —، شماره ۷، ۳۰ شعبان ۱۳۲۷ق / ۱۵ سپتامبر ۱۹۰۹م.
۱۹. —، شماره ۸، ۱۲ رمضان ۱۳۲۷ق / ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹م.
۲۰. —، شماره ۹، ۲۰ رمضان ۱۳۲۷ق / ۵ اکتبر ۱۹۰۹م.

ج. مقالات

۱. بهنام، جمشید (۱۳۷۲). «منزلگاهی در راه تجدد ایران: اسلامبول»، ایران نامه، سال یازدهم، ش ۲: ۲۷۱-۲۸۲.
۲. صالحی، نصرالله (۱۳۹۶). «ترجمه از زبان ترکی عثمانی به فارسی در دوره ناصری؛ مطالعه موردی: ترجمه‌های محمد عارف اسپیناچی پاشا زاده»، مطالعات آسیای صغیر، ش ۳، بهار و تابستان: ۶۳-۸۲.

شاوندی و مرادی خلیج: تحلیلی بر نقش ترجمه در روزنامه‌های «اختر» و «سروش»... ۲۹

۳. فشاهی، محمدرضا (۱۳۵۲). «نهضت ترجمه در عهد قاجاریه» مجله نگین، ش ۹۹، مردادماه: ۱۸-۲۵.

د. منابع ترکی و انگلیسی

1. Hatice, Kilic (2006). Iran 'in Modernlesme Surecinde Osmanli Devlet' nin Rolu, (1848-1923), Hüseyin Salman, Yüksek Lisans Tezi, marmara universitesi: Istanbul.
2. Riza, Kurtulus (2010). Iran Mesrutiyet Hareketinde Osmanli Etkisi 1906-1911, Ali Satan, Doktora Tezi, marmara universitesi: Istanbul.
3. Büşra Durmuş (2016). Terakki gazetesinde yerinden yönetim fikrinin ele alınışı 1906-1907, Belkis ulusoy nalçglu, Yüksek Lisans Tezi, Istanbul universitesi: Istanbul.
4. Yavuz, M. Hakan (2009). Secularism and Muslim Democracy in Turkey, Cambridge: Cambridge University Press.